

ضعف و بی‌عملی پلیس ایران در مقابل خشونت خانگی

Photo: iulianvalentin/depositphotos.com

مهری قاسمی

رئیس سازمان پزشکی قانونی در گفت‌وگو با روزنامه ایران خبر داده که حدود ۰۹ درصد کسانی که از همسرآزاری شکایت می‌کنند، زنان هستند. احمد شجاعی در عین حال از افزایش پنج و هشت دهم درصدی مراجعات درباره همسرآزاری در سال ۶۹ نسبت به سال ۵۹ خبر داده است.

شجاعی گفته است آمار مراجعان همسرآزاری در سال ۶۹۳۱، به ۱۸ هزار و ۹۲۷ نفر رسیده که سهم زنان از این نزاع‌ها، ۷۷ هزار و ۹۵ نفر و سهم مردان چهار هزار و ۰۷۶ نفر بوده است که «قربانی خشونت و آزارهای روحی و روانی از سوی همسران‌شان» شده‌اند. (روزنامه ایران، ۳۲ تیر ۳۹۳۱)

روزنامه ایران اما همین گزارش را با تیتراژ «پنج هزار مرد پارسال از زنان‌شان کتک خوردند» منتشر کرد.

انتخاب تیتراژ این گزارش، در حالی که بیش از ۴۹ درصد خشونت‌های خانگی علیه زنان اتفاق افتاده است، تصویری کامل را از انتظار جامعه ایران در مورد خشونت‌های خانگی نمایان می‌کند. گویا که در ایران، کتک خوردن زنان در خانه عادی است و کتک خوردن مردان به کنایه و طنز تبدیل می‌شود.

بیشتر بخوانید:

[تربیت فقهی کودکان و فراهم شدن زمینه خشونت مجاز](#)

[شاید "شیشه بیسی" بوده باشد!](#)

[قاضی بیشتر با خشونت‌گر همدل است](#)

عادی‌سازی خشونت علیه زنان تنها در نحوه خبررسانی رسانه‌ها نیست که پدیدار می‌شود، بلکه در نگاه نهادهای رسمی و حتی پلیس نیز بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز مردان علیه زنان عادی تلقی می‌شود.

از اواسط سال ۵۹۳۱ وزارت بهداشت در ایران شبکه‌ای مجازی با عنوان «سامانه سیب» راه‌اندازی کرد که هدف آن جمع‌آوری تمامی اطلاعات بهداشتی مربوط به مردم بود. [پرونده گزارش‌های رسمی](#)، تا دی‌ماه سال ۵۹۳۱ حدود ۹۵ میلیون نفر در این شبکه ثبت‌نام کرده بودند. این سامانه به مرور گسترش یافت و از تابستان سال ۶۹۳۱ بخشی برای جمع‌آوری مراقبت‌های سلامت اجتماعی از جمله همسرآزاری و مشکلات زنان متاهل را نیز دربرگرفت.

با این همه، تعریف خشونت خانگی در این سامانه چنان است که اگر زنان در قسمت همسرآزاری، میزان ضرب و شتم صورت گرفته از سوی شوهر را گزینه «به ندرت» یا «گاهی» انتخاب کنند، سامانه مزبور این موضوع را «فاقد مشکل» تلقی خواهد کرد.

چندی پیش، یکی از کاربران توئیتر که ظاهراً با این سامانه همکاری می‌کند در این‌باره [نوشته بود](#):

«روانشناس از مرکز استان اومده بازدید بهش می‌گم این سامانه سیب قسمت همسرآزاری اگر در جواب سوال همسران شما را کتک می‌زند، تیک قسمت به ندرت یا گاهی اوقات رو بزنی می‌گه فاقد مشکل. فرمودند این‌قدر که طبیعیه، همه زن‌ها رو شامل می‌شه.»

کاربر دیگری در همین رابطه [معتقد است](#): «تو سامانه سیب، به قسمتی داره واسه همسرآزاری، بعد اگه در جواب آیا شوهرت کتک می‌زنه، بزنی به ندرت یا گاهی، نتیجه رو فاقد مشکل می‌ده. فک کنم شوهره باید قشنگ هر روز سیاه کبود کنه که اون عقبیا حال کن.»

نحوه سیاست‌گذاری «سامانه سیب» وزارت بهداشت ایران درباره میزان «مجاز!» خشونت علیه زنان که ضرب و شتم «گاه و بیگاه» آنان را فاقد مشکل می‌بیند، باید سیاست کلی حکومت در ایران نیز دانست. همین سیاست موجب بی‌تفاوتی پلیس در مواجهه با بسیاری از گزارش‌های خشونت خانوادگی شده است.

نویسندگان گزارشی که در سال ۱۹۳۱ منتشر شد و درباره نقش پلیس در فرهنگ خشونت خانگی تحقیق کرده بودند، معتقدند: «واقعیت این است که اقلیت کوچکی از زنان که به جست‌وجوی کمک از سازمان‌های رسمی یا افراد مسئول رفته‌اند نیز بیش از پیش به ماهیت مردسالارانه روابط درون جامعه پی برده‌اند. پلیس نه تنها علاقه‌ای به درگیر شدن در این مسائل ندارد، بلکه بر طبق مصاحبه‌ها، بیشتر حامی متهمان بوده تا قربانیان و با زنان خشونت‌دیده با پیش‌داوری و بدرفتاری برخورد کرده است.»

نویسندگان این تحقیق به عنوان نمونه‌ای از رفتارهای نادرست پلیس از قول خانمی ۷۳ ساله با تحصیلات زیر دیپلم نوشته‌اند: «شوهرم تهدید کرد که امشب یا مرا می‌کشد یا خودش را. من زنگ زدم پلیس ۰۱۱ و پلیس آمد. شوهرم رفت دم در، دست به ریش شد که تو رو قرآن آبرو داریم و ... پلیس رفت! [...] من زنگ زدم از تو کمک خواستم، چرا با حرف شوهرم برگشتی؟ اگر من آن لحظه می‌گفتم گذشت کردم، بعد برو! گفتند دعوی خانوادگی است، خدا نگهدار!» (فرهنگ خشونت خانگی علیه زنان با تأکید بر نقش پلیس در کاهش آن، سهیلا صادقی فسایی، آتنا کامل قالیباف، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، بهار ۱۹۳۱، شماره ۶۲، صص ۹۹ و ۱۰۰)

مشابه این تجربه را برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز داشته‌اند. یکی از کاربران توییتر در این باره **نوشته است**: «سال ۳۸ دوستی داشتم که همسرش کتکش می‌زد. یک بار فرار کرده بود داخل حمام و زنگ زده بود به پلیس. وقتی ماجرا را تعریف کرده بود، آقای پلیس پشت خط گفته بود: خوب اینکه طبیعی، منم اگر عصبانی بشم دیگه یک سیلی رو به زنم می‌زنم.»

در مقاله دیگری که فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس وابسته به نیروی انتظامی ایران منتشر کرده است، نویسندگان مقاله به ضعف‌های گوناگون حقوقی و غیرحقوقی پلیس در مواجهه با خشونت خانگی پرداخته و در بخشی از گزارش خود نوشته‌اند: «مانع دیگری که در مسیر پاسخ‌دهی و تعقیب کیفری بزه‌کاران خشونت وجود دارد این است که خشونت در محیط منزل در برخی موارد به عنوان یک موضوع خصوصی و خانوادگی تلقی می‌شود که تا جای ممکن پلیس نباید به آن پاسخ و واکنشی نشان دهد.»

[به کانال تلگرام خانه امن بپیوندید.](#)

آنان اضافه می‌کنند: «شاید این رویکرد از موضع پترنالیستی [جرمانگاری] حاکم بر فرهنگ پلیس یا فرهنگ حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرد. به هر حال و صرف‌نظر از منشا آن، این رویکرد در پلیس وجود دارد. حتی مقررات حقوق کیفری جاری نیز بر این ادعا مهر تایید می‌نهد، به گونه‌ای که عموم جرائم خشن که در منزل امکان وقوع دارند، جنبه خصوصی دارند. به عنوان نمونه فحاشی، قذف، ضرب و جرح دارای جنبه خصوصی‌اند و بدون شکایت شاکی امکان تعقیب کیفری آنها وجود ندارد. از این رو این نوع جرائم با اعلام جرم از سوی همسایگان یا اطرافیان قابل تعقیب کیفری نیست.» (پاسخ‌های پلیس به خشونت خانگی علیه بانوان، علی افراسیابی، لیلا سجادی، زمستان ۲۹۳۱، شماره ۶۱، صص ۲۴)

نکته قابل تامل آن که در موارد متعددی از خشونت خانگی، حتی شکایت فردی که مورد خشونت قرار گرفته است (در واقع بعد از تحقق زمینه تعقیب کیفری)، منجر به مداخله پلیس و جلوگیری از خشونت در داخل خانه نمی‌شود.

در واقع بزرگ‌ترین مشکل در این زمینه، خصوصی دانستن خشونت خانگی در قوانین و همچنین سیاست‌های پلیس است.

در کتاب راهنمای پاسخ‌های مؤثر پلیس به خشونت علیه زنان که توسط نهادهای وابسته به سازمان ملل تهیه شده، آمده است: «بسیاری از مقامات پلیس خشونت خانگی را "موضوعی خصوصی" می‌دانند که بهتر است پشت درهای بسته باقی بماند. این دیدگاه منجر به نگرش‌ها و سیستم‌هایی شده است که پاسخ پلیس را به حداقل می‌رساند و پاسخ‌های تخصصی به زنان قربانی خشونت را سست می‌کند.»

نویسندگان این راهنما تأکید کرده‌اند: «پلیس نقش حیاتی در پیشگیری از خشونت علیه زنان بازی می‌کند. بخشی از این نقش چگونگی پاسخ به وقایع خشونت‌بار و اقداماتی است که باید برای حفاظت از زنان بلافاصله بعد از آن اتفاق، قبل و طی محاکمه و بعد از آن اتخاذ شود.» (**کتاب راهنما در زمینه پاسخ‌های مؤثر پلیس به خشونت علیه زنان**، دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل، قسمت پنجم به بعد)

اما واقعیت این است که رویکرد نیروی انتظامی و پلیس به خشونت خانگی در ایران، بر محور «خصوصی انگاری» این رفتارها بنا شده است و البته این نگرش نیز به دلیل حاکمیت احکام فقهی مبنی بر مجاز بودن مرد در اعمال قدرت و ولایت نسبت به همسر و کودکانش به وجود آمده و زمینه خشونت را گسترش داده است.